

# پیام کنگره سوم حزب کمونیست کارگری به کارگران ایران

اجتماعی، خرافه ستیزی و رفاه و رهایی تداعی میکنند. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان بدهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم تمام جهان قرار بدهد. برای ایفای این نقش، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه به میدان بیایید. حزب کمونیست کارگری پرچم این دنیای بهتر را برافراشته است. به حزب کمونیست کارگری، حزب انقلاب کارگری، پیوندید. آزادی برابری حکومت کارگری، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران

حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید کرد.

در دنیای سرمایه داران، در قوانین شان، در مناسبات اقتصادی شان، در فرهنگ شان، در تک تک خشتهای نظام ضد بشری سود و سرمایه، کارگر را با بیحقوقی و محرومیت و فرودستی و بی تأمین و رنج معنی میکنند. اما بیش از یک قرن و نیم است که بشریت محروم نام کارگر و پرچم کمونیسم کارگری را با آزادیخواهی، مساوات طلبی، آزاد اندیشی، عدالت

کمونیسم رهبر بحق جنبش توده ای برای سرنگونی این حکومت است. اکنون دوران سرنگونی آغاز شده است. کنگره حزب کمونیست کارگری بر عزم قاطع ما برای حضور در صف مقدم این مبارزه تاکید نمود.

اما این تنها نیمی از تصویر است رفقا، تحولات امروز ایران فقط بر سر بود نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ دارد صورت میگیرد. این آینده میتواند، اگر ما شکست بخوریم، تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید باشد. اما اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون

رفقای کارگر درودهای گرم و پرشور کنگره سوم حزب کمونیست کارگری را بپذیرید.

یکبار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخساز قرار گرفته است. دوران پرتلاطمی آغاز شده است. دوره بیداری، دوره بپاخاستن توده های عظیم مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت. جمهوری اسلامی رفتنی است. این را دیگر کودکان ترین مدافعان خود این حکومت نیز فهمیده اند. مردم حکم به سرنگونی این نظام داده اند و دست بکار بزیر کشیدن آن شده اند.

طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کند که مبارزه برای بزیر کشیدن رژیم نکبت بار اسلامی هرچه گسترده تر، سازمان یافته تر، هدفمندتر و قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت تر به نتیجه برسد. کارگر و

انترناسیونال

# هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

# ۲۸

۲۷ آبان ۱۳۷۹

۱۷ نوامبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

از اتحادیه های کارگری سراسر جهان تا مجمع عمومی کارگران خباز سندج

در دفاع از محمود صالحی

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

۹ تا ۹/۴۵

بوقت تهران

۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع بدهید

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

یادداشتهای سیاسی

## در حاشیه هفته

صفحه ۲

منصور حکمت

مینا احدی

نامه سرگشاده

## از زنان تن فروش عراق حمایت کنید

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com



## حجاب و "ارتداد"

حکومت اسلامی (از جمله بخشی که امروز خود را اصلاح طلب می داند) بوده است. حجاب اسلامی لوگوی جمهوری اسلامی است. درست بهمین دلیل، حجاب اسلامی در عین حال پارومتر تشخیص توازن قوای بین مردم و حکومت نیز هست. روی دیگر سکه "یا روسری یا توسری" اینست که هر سانتیمتر از "روسری" که پس برود، "توسری" محکمی بر حکومت

دعوی "مرتد کیست" بر سر موضوع حجاب شکل گرفته است. حجاب اجباری، همان "یا روسری یا توسری" مشهور، از اولین روزها مهمترین شعار و ابزار سرکوب و حاکمیت این رژیم بوده است. حزب الله چرخانی علیه زنان بی حجاب، اسید پاشی بصورت زنان، تیغ زدن و اعمال وحشیانه نظیر اینها، از ابداعات و افتخارات

سران جمهوری اسلامی در کش و قوس اند که آیا به یک آخوند که میگویند گفته است "حجاب اختیاری است"، حکم "ارتداد" بدهند، یا خیر. اگر ایشان، اشکوری، حکم ارتداد بگیرد - که ظاهراً مجازاتش در دین مبین اعدام است، آنوقت نزاع جناح های جمهوری اسلامی میتواند وارد مرحله نوبنی شود. صرف نظر از این جنبه، نکته مهم اینست که

اسلام وارد می آید. و این کاری بوده است که زنان ایران بیست سال است بطور خستگی ناپذیری به آن مشغول بوده اند. روزی نیست که سران جمهوری

صفحه ۳

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## در حاشیه هفته

mhckmat@yahoo.com

منصور حکمت



## "محاکمه" شرکت کنندگان کنفرانس برلین

صحنه های محکمه شرکت کنندگان کنفرانس برلین از هر نظر رقت بار است. این قبیل از هر چیز یک لات بازی و قمه کشی عیان و یک نمایش ارباب است. یک عده را بجرم سخنرانی در یک مجمع و بیان نظراتشان زندان انداخته اند و تهدید به خشونت میکنند، دو نفر زندانی سیاسی قبلی (صدر و رستم خانی) با پیشینه تعلق به یک سازمان چپ در یک دهه قبل را دوباره دستگیر کرده اند و جلوی چشم همه با پرونده سازی به کنفرانس برلین وصل کرده اند تا دادگاه کاندید کافی و مناسب برای صدور حکم اعدام و خونریزی و نمایش سبعیت داشته باشد بدون آنکه به عموزاده های دوم خردادی خود سخت بگیرد. دلاوران دوم خردادی یکی پس از دیگری بر سر ابراز وفاداری به حکومت و نظام و جانماز آبکشیدن و فحاشی به حزب کمونیست کارگری و مردم مخالف حکومت با هم مسابقه گذاشته اند. اینها البته راست میگویند، اسناد کنفرانس برلین نشان میدهد که اینها در مقابل اعتراضات مخالفان، از تریبون کنفرانس برلین از رژیم اسلامی و بقای آن مومنانه دفاع کردند.

این محکمه و این تصاویر، نمایش عجز و بن بست کل حکومت اسلامی است. نشان وقوف کامل سران این حکومت، از هردو جناح، به لاعلاجی موقعیت و شکنندگی کل حاکمیت است. اگر این حکومت هنوز با این پوکی، سستی و هراس، که تمام وجودش را فرا گرفته است، فی الحال سقوط نکرده است بخاطر اینست جنبش سرنگونی طلبی مردم هنوز بیشکل و نامنسجم است.

محاکمه نمایشی پرونده کنفرانس برلین باید فوراً متوقف بشود و از

همه متهمان رفع تعقیب و رفع مزاحمت بشود. آشکوری سخنگوی "سکولاریسم معمم" (که انصافاً از نظر محتوای نظراتش در مورد اسلام و جامعه و آزادی اندیشه، در چپ طیف اکثریت و راه کارگر قرار میگیرد) ظاهراً جان در برده است. اگر چنین باشد جانش را مدیون آن عمامه است. اما جان سعید صدر و رستمخانی جدا در خطر است. باید مردم و افکار عمومی در ایران و غرب را در دفاع از آنها سریعاً بسیج کرد.

## محمود صالحی؛

## کارگران به میدان میایند

درحالیکه نورافکن های صنعت حقوق بشر روی "ژورنالیست دگر اندیش" و زندانی سیاسی آقای اکبر گنجی متمرکز شده است، زندانی سیاسی محمود صالحی، کارگر مبارز و حق طلب و یکی از رهبران اصلی کارگران خباز در کردستان در شرایط بسیار نامناسب جسمی اسیر است. دفاع از محمود صالحی، البته امر آزادیخواهان نیمه وقت و "گزینشی" در رسانه ها و نهادهای جنبش بین المللی دیالوگ تمدنها و حتی سازمانهای چپ خجالتی و مرعوب شده ایران که میپندارند قدرت تا ابد از لای عمامه و بیت آیات عظام و برنامه شامگاهی و شبانگاهی بی بی سی بیرون میاید نیست. اما قدرتی به مراتب عظیم تر پا به میدان دفاع از محمود صالحی گذاشته است. جنبش جهانی طبقه کارگر. از اتحادیه های کارگری اروپا و آمریکا و استرالیا و ژاپن، تا کارگران سقز و سنندج. جمهوری اسلامی با دستگیری محمود صالحی، و محمود صالحی هایی که یکی پس از دیگر از این پس به میان میدان مبارزه در ایران پا میگذارند، کار خود را خراب تر میکند. هر تعرض به رهبران کارگری

نتیجه نهایی آراء یک انتخابات بی شک یک "خبر" است، اما گزارش لحظه به لحظه شمارش آراء و اینکه در هر لحظه چه کسی جلوست ارزش خبری ندارد. این دیگر از جنس قمار و شرطبندی روی مسابقه سکوانوی است. هیجان انگیز است اگر شرط بسته باشید. اما "خبر" نیست. اگر شبکه های تلویزیونی آمریکا صبر کرده بودند تا نتیجه نهایی آراء شمارش شده را بعنوان یک خبر به مردم بدهد، اسکاندالی نشده بود. معلوم میشد رای در فلوریدا نزدیک بوده و باید بازشماري شود.

در ایران با انبوه تر شدن صف اعتراضی مستقل کارگران در ایران و رشد جنبش همبستگی بین المللی کارگری پاسخ خواهد گرفت. این هم جنبش حقوق بشر ماست.

## انتخابات آمریکا؛

## افتضاح کجاست؟

قفل شدن آراء ال گور و جرج دبلیو بوش در فلوریدا و کشمکش حقوقی و سیاسی بر سر شمارش آراء ظاهراً مایه سرشکستگی رسانه ها و حتی بعضی سخنگویان دموکراسی غربی شده است. برخی این را یک افتضاح مینامند. رسانه های بخاطر تخمین های آماری گمراه کننده و دست بدست کردن چندباره فلوریدا میان دو طرف در شب انتخابات به موضع عنزخواهی و انتقاد از خود افتاده اند. برخی دیگر این را نشان عتیقه بودن سیستم انتخاباتی آمریکا و عدم کارایی اش میدانند. بعضی اصالت انتخابات را زیر سوال میبرند چون کاندیدای حائز اکثریت آراء در کل آمریکا (گور)، بخاطر سیستم کالجی ویژه انتخابات آمریکا به بوش که رای کمتری آورده است خواهد باخت.

تا آنجا که به رسانه ها بر میگردد، این واقعه تأکیدی است بر جعلی بودن فرهنگ نوین خبرسازی و خبر پردازی که با پیدایش رسانه های بزرگ و تکنولوژی پخش زنده وقایع نضج گرفته است. کل مقوله خبر از معنی تهی شده است. اکنون دیگر اتفاقات حتی قبل از وقوع خبر محسوب میشوند. بیاد بیاوریم سه شبانروز روز در زندگی ژورنالیست جنگی کریستیان امانپور در سی ان ان را که لحظه به لحظه از ساحل تاهیتی خبر میداد که هنوز نشانی از ناوگان آمریکا نیست! مغازه ها و ادارات باز هستند و هنوز اتفاقی رخ نداده است! اعلام

افتضاح واقعی انتخابات آمریکا، افتضاح دائمی و ذاتی ای که تمام دیکتاتوریهای پارلمانی بورژوازی در غرب بر آن بنا شده است اینست که این انتخاباتها نه بیانگر تمایلات و رای و خواست واقعی مردم است، و نه دولتها و مقاماتی که از صندوق سر در میاورند نماینده مردم و مجری تمایلات و ترجیحات آنها هستند. انتخابات و دمکراسی پارلمانی بطور کلی ابزار کسب مشروعیت برای قدرت سیاسی و حاکمیتی است که در اساس از جای دیگری نشأت میگیرد و در جای دیگری سازمان مییابد. در حالیکه شرکت بام.و در یک جلسه کوچک هیات مدیره، بدون هیچ اعتبار نامه انتخاباتی، در پاسخ به نیازهای سود آوری ۴۰۰۰۰ هزار کارگر انگلیسی را در چند استان بیچاره میکند، چندین شهر بزرگ را به رکود میکشد، و نسلی را به بی امکاناتی، اعتیاد، فقر و بی آیندگی محکوم میکند و یک ضربه چند صد میلیارد پوندی به قدرت خرید مردم میزند و به هیچکس هم جوابگو نیست، دولت منتخب و پارلمان منتخب بر سر ده میلیون پوند اضافه و کم کردن بودجه فلان اداره وارد شور پنجم میشود. دولتها در این نظام انتخابی اند، اما قدرت سیاسی و حاکمین نه.

مردم هم این را فهمیده اند. افتضاح عیان انتخابات آمریکا این است که رئیس جمهور آتی آمریکا هرکه باشد فقط با رای ۲۲ درصد از افراد دارای حق رای در آمریکا به قدرت رسیده است. در این نظام هیچکس هیچوقت حتی بطور فرمال

و عددی رای اکثریت مردم را ندارد. در این نظام زن نه کاندید میشود و نه شانس انتخاب شدن دارد. در این نظام از پیش برای سیاه پوستی که خود را کاندید ریاست جمهوری کند گلوله ای در اداره ای کنار گذاشته اند. در این نظام همین رای هم با ۵۰۰ میلیون دلار هزینه تبلیغات و رشوه خریداری شده است. آدم عادی در این انتخابات آزاد شانس شرکت در این انتخابات را ندارد. در این نظام هر چهار سال یکبار یکی از ۱۰۰ میلیون رای را به صندوق میاندازد تا اجازه دخالت در سرنوشت جامعه را بار دیگر رسماً و شرعاً به دیگران واگذار کرده باشید. انتخابات در دیکتاتوری پارلمانی لحظه اعمال اراده مردم نیست، لحظه سلب این اراده است.

## فلسطین؛

## از استقلال تا آزادی

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قبل ممکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاندا دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء

## یادداشت‌های سیاسی

مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد.

استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوس است. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است. اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قوم‌گرایی و مذهب در هردو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهایی که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هردو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

حاکم و خط رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین رفته است را میشناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رایین را اعراب نکشند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و

## نامه سرگشاده به سازمانهای زنان و احزاب و شخصیتها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی



هدف اصلی ماست. باید از حرمت و حقوق این زنان دفاع کرد. جامعه بین المللی موظف است که در مقابل این جنایت، قاطعانه بایستد.

نامه های اعتراضی خود را به سفارتخانه های عراق در کشور خودتان بفرستید و یک نسخه از آنرا برای ما بفرستید.

### مینا احدی

سخنگوی کمپین نجات جان زنان تن فروش عراق از طرف حزب کمونیست کارگری ایران کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران

minaahadi@adk.com

تلفن تماس  
01775692413 :

مردم از دولت حاکم بر عراق ، برای مقابله با خیزشهای احتمالی مردم دولت صدام به اسلحه اسلام و اسلامیزه کردن جامعه متوسل شده است. با این اسلحه میتوان سر زنان را برید و در راه دفاع از خدا و مذهب هر بلایی را بر سر مردم آورد. در این بین تجربه کشورهای دیگر و مهمتر از همه ایران در دسترس این رژیم است. حمله به مردم عراق و ترساندشان با حمله به زنان تن فروش یعنی ضعیفترین و بی دفاع ترین بخش زنان شروع شده است.

در مقابل این جنایات وحشیانه باید ایستاد. انسانهای حی و حاضر در سراسر جهان، امروز باید نشان دهند که چشم خود را بر این وقایع هولناک نمی بندند و از حقوق انسانی و نرم های انسانی دفاع میکنند. به کمپین ما بر علیه این جنایت هولناک بپیوندید. به دولت صدام اعتراض کنید و مانع ادامه این جنایات هولناک در عراق شوید.

نجات جان زنان تن فروش

دوستان گرامی، در ماه اکتبر سال ۲۰۰۰ تعداد زیادی از زنان تن فروش عراقی به دستور دولت صدام حسین در ملاء عام قتل عام شده اند. آخرین آمار حاکی از بیش از ۸۰ مورد بریدن سر زنان تن فروش دارد. گفته میشود که سر تعدادی از این زنان را چند روز بر سر در خانه هایشان آویخته اند.

این خبر هولناک در بسیاری از روزنامه ها و مجلات و از جمله گاردین و ایندپندنت و الحیات و روزنامه های چاپ اروپا منتشر شده است.

این یک اتفاق روزمره نیست و در مقابل آن باید فوراً عکس العمل نشان داد. آمار مقتولین میتواند روز به روز بالاتر برود چرا که دولت صدام حسین دستور قتل زنان تن فروش را در همه عراق داده است.

بدنبال محاصره اقتصادی وحشیانه و غیر انسانی دولتهای غربی و تحمیل فقر و فلاکت هر چه به مردم عراق، بدنبال مرگ هزاران کودک از بی دارویی و کمبود امکانات بهداشتی، و بخاطر وجود نارضایتی عمیق

از صفحه ۱

### حجاب و "ارتداد"

اسلامی تظاهرات میشود، زنان حجاب از سر بر میگیرند. در سینما باید مامور بگمارند تا حجاب سر جایش بماند. در کوچه، خیابان، اداره، مدرسه و کارخانه میزان حجاب اسلامی، نوع و شکل و شمایل آن، حتی رنگ آن شاخصی است از آنکه کدام طرف این نبرد عجیب و عقب مانده ای که جمهوری اسلامی به زنان و کل مردم آن کشور تحمیل کرده است، دست بالا دارد.

در چنین شرایطی است که رژیم برای یک معمم، برای کسی که بارها اعلام کرده است که شخص خودش حجاب اسلامی را قبول دارد و در خانه اش بر سر زن و بچه هایش حجاب میگذارد ولی آنرا امر "اختیاری" میدانند(!؟)، حکم "ارتداد" را

## انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

### دیدار و گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری

پس از گنگره سوم

ورود برای عموم آزاد است

استکهلم شنبه ۱۸ نوامبر ۳ بعد از ظهر

میزبانان شما از کمیته مرکزی حزب

آذر مدرسی آذر ماجدی ، فاتح شیخ، رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی،

یوتبوری یکشنبه ۱۹ نوامبر ۲ بعد از ظهر

میزبانان شما از کمیته مرکزی حزب :

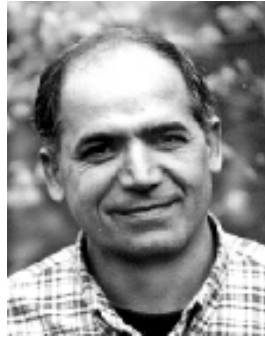
آذر مدرسی، مجید حسینی، آذر ماجدی، مظفر محمدی رحمان حسین زاده،

تلفن اطلاعات : ۳۴ ۳۲ ۷۶۵-۷۰

## به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

# کارگران خباز سندج الگوئی از یک همبستگی کارگری

اصغر کریمی



شرط پیروزی ما است. و آنجا که کارگری قد علم میکند، در جریان اعتصاب سینه سپر میکند، رودرروی کارفرما و انجمن اسلامی و نیروهای انتظامی و آخوند و فرماندار محل از کارگران، از خواستشان، از اعتصاباتشان دفاع میکند، بر ترس و دلهره و تردید در میان همکارانش غلبه میکند و زندان و محرومیت های بیشمار دیگر را بجان میخرد تا با چنگ و دندان از تشکل کارگران دفاع کند و به خاطر همه اینها به زندان میافتد جا دارد که از پشتیبانی گسترده و فعال همه کارگران برخوردار شود. محمود صالحی یکی از این فعالین کارگری است، بخاطر متشکل کردن کارگران برای بار پنجم به زندان افتاده است. اکنون باید از پشتیبانی بیدریغ کارگران در ایران و در جهان بهره مند شود. این وظیفه بر دوش هر کارگر و هر فعال کارگری، بر دوش هر آدم

کارگران خباز سندج دست به اقدامی سنجیده، بسیار بموقع و در عین حال شجاعانه زدند. در دفاع از رفیق همکارشان محمود صالحی مجمع عمومی تشکیل دادند، علیرغم تهدید مقامات حکومت اسلامی از طرف مجمع عمومی به فرمانداری نامه نوشتند و خواهان آزادی فوری محمود صالحی شدند. و به این بسنده نکرده. سه روز بعد از آن تظاهرات سازمان دادند و با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، محمود صالحی آزاد باید گردد به خیابان آمدند و همبستگی و پشتیبانی مردم آزادیخواه را هم جلب کردند. این حرکتی است که میتواند الگوئی برای همه مراکز کارگری در سراسر ایران باشد. اتحاد و همبستگی کارگری شرط ایجاد جنبشی قدرتمند و

پیوندند. اعلام کنند که دستگیری فعالین کارگری تمام، که سرکوب کارگران و ممنوعیت اعتصاب و تشکل موقوف.

باید جنبش قدرتمندی را سازمان داد و محمود صالحی را آزاد کرد. اینرا میتوان و باید به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. پیروزی در این مبارزه، یک پیروزی برای محمود صالحی، برای خبازان سقز، و برای کل جنبش کارگری و حزب کمونیست کارگری به مثابه پرچمدار این جنبش است. این بخشی از تلاش برای شکل دادن به جبهه قدرتمند کارگران حول مطالبات کارگری و قرار گرفتن در راس جنبش آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری تلاش خود برای شکل دادن به همبستگی جهانی کارگری برای آزادی محمود صالحی و شکل دادن به جبهه مستحکم کارگری در مقابل حکومت اسلامی را در ابعادی هرچه وسیعتر افزایش میدهد و همه بخشهای جنبش کارگری در ایران را به پیوستن فوری به این کمپین فرامیخواند.

جنبشی قدرتمند برای آزادی محمود صالحی مشغول است. اکنون از هندوستان و استرالیا، از آمریکا و کانادا، از آلمان و هلند و بلژیک و انگلیس، از دانمارک و سوئد و فنلاند و ... کمپین حزب جای خود را باز کرده است و جلو میرود. با حرکت درخشان کارگران خباز سندج و پیوستن شجاعانه شان به این جنبش، کمپین برای آزادی محمود صالحی گام مهمی به جلو برداشت. کارگران سندج الگوئی عملی و شدنی مقابل سایر بخشهای جنبش کارگری قرار دادند. در جنوب و شمال، در تهران و خوزستان، در اصفهان و آذربایجان، در کردستان و گیلان و مازندران، در نفت و ذوب آهن، در ماشین سازیها و صنایع فولاد، در آب و برق و حمل و نقل، در راه آهن و صنایع غذایی و در هر کارگاه و کارخانه ای، کارگران باید خود را در مبارزه برای آزادی محمود صالحی سهیم کنند و با صدور قطعنامه، با امضای تومار، با اعتصاب سمبلیک، با راهپیمائی و هر شکل مناسب دیگر به جنبش جهانی برای آزادی رفیق همکارشان

سوسیالیست و بر دوش هر آدم آزادیخواه سنگینی میکند. تنها چنین حرکتی است که به فعالین کارگری، به رهبران اعتصاب، به سازمان دهندگان کارگران دل و جرات میدهد، اعتماد به نفس میدهد و به آنها امنیت بیشتری در برابر دست درازی حکومت میدهد.

حزب کمونیست کارگری حرکت بین المللی بزرگی سازمان داده و با تمام قوا به شکل دادن به

مجمع عمومی خبازان سندج در دفاع از محمود صالحی

## زنده باد جنبش مجمع عمومی

به انترناسیونال هفتگی کمک مالی کنید!

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی 0044-771 4097928

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

سازمان جوانان کمونیست:

بهروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

فشار روبرو شدند. اما اراده جمعی و تشکیل مجمع عمومی این تهدیدات و شگردها را خنثی و این موضوع دوباره تاکید شد که برپایی مجمع عمومی و استفاده از آن بعنوان یک ابزار موثر سازمانیابی و دخالتگری کارگری با وجود استبداد و قلدری بورژوازی امری ممکن و عملی است.

در این حرکت مشخص این واقعیت برجسته تر شد که تناسب قوا به نفع جنبش اعتراضی کارگران و مردم بسیار تغییر کرده است. دوران فعال مایشائی جمهوری اسلامی و سرکوبگریهایش پسر آمده است. دوران اعتراض گستردهتر کارگران و مردم معترض علیه جمهوری اسلامی فرا رسیده است. مجمع عمومی سنگ بنای متشکل نمودن این اعتراضات در کارخانه و کارگاه و محله و دانشگاه و در هر مکان اعتراضی جامعه است. جنبش مجمع عمومی را باید گسترش داد و دامن زد.

مجموعی کارگران خباز در سندج لازم است مکث نمود.

- رژیم سراپا جنایت جمهوری اسلامی محمود صالحی را در موقعیت وخیم جسمی در زندان نگه داشته است. مجمع عمومی فوقالعاده کارگران سندیکای خباز سندج به سهم خود عکس العملی مناسب به این شرایط است. مجمع عمومی به دور از پیچیدگی بوروکراتیک امکان این اعتراض بموقع و عاجل را فراهم ساخت. به ظرف طبیعی و در دسترس اعتراض و اقدام کارگران تبدیل شد. کارگران خباز سندج بار دیگر این نقطه قدرت پایه ای مجمع عمومی را تجربه کردند.

- اعلام علنی برپایی مجمع عمومی کارگران خباز از چند روز قبل دلهره و نگرانی مقامات رژیم در سندج را موجب شد. آماده باش نیروهای سرکوب و جنایت اعلام شد. فعالین کارگری و برگزار کنندگان مجمع عمومی برای دفاع از محمود صالحی با تهدید و

رحمان حسین زاده

سندیکای خبازان شهر سندج مجمع عمومی فوقالعاده خود را در دهم آبانماه سازمان داد و خواستار "آزادی فوری محمود صالحی" از زندان شد. این اقدامی سر راست و مهم در دفاع از رهبر سندیکای خبازان شهر سقز است. تلاشی است در جهت آزادی یک همکار و هم سرنوشت و یک فعال جافانده جنبش کارگری در کردستان، که در سالهای اخیر به جرم دفاع از حقوق کارگران، متشکل کردن آنها و فعالیت در سندیکای خبازان سقز بارها راهی زندان رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی شده است. مجمع عمومی فوقالعاده خبازان سندج و تظاهرات بعدی آنها جایگاه مهمی در کمپین گسترده برای آزادی محمود صالحی در ایران و در سطح بین المللی دارد.

علاوه بر این، بر چند جنبه آموزنده و مشخص برپایی مجمع